

فیلم درست
مانند فیلم‌های
مشابه بر تصورات
و پیش‌فرض‌هایی
واقع شده است
که بر اساس
آنها، سرباز
امریکایی حاضر
در افغانستان،
میهن دوست،
خانواده دوست،
فداکار، طرفدار
صلح، مهربان و
قدرتمند معرفی
می‌شود و در طرف
مقابل، افغان‌هایی
قرار دارند که واجد
صفات منفی بوده
و نقطه مقابل
سربازان امریکایی
با صفات مثبت
هستند

فیلم پاسگاه، محصول ۲۰۲۰ کشور امریکا و در ژانر اکشن، تاریخی و درام است. این فیلم بر اساس کتابی غیرداستانی در سال ۲۰۱۲ ساخته شده که خود این کتاب بر اساس یک رویداد واقعی نگارش شده است.

داستان فیلم تقریباً به سال ۲۰۰۹ بازمی‌گردد، نیروهای امریکا در مناطق مختلف افغانستان، پاسگاه‌هایی را تأسیس کرده‌اند تا بتوانند با طالبان مقابله کنند. داستان فیلم روایتگر قصه سربازانی است که به یکی از این پاسگاه‌ها (با نام کیتینگ) در نزدیکی شهر کامدیش منتقل می‌شوند. این پاسگاه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی که دارد بسیار آسیب‌پذیر بوده و در نتیجه استقرار در آن ریسک بسیاری را به همراه دارد. فیلم در نهایت به نبرد کامدیش می‌پردازد که طی آن چهارصد نیروی طالبان به پاسگاه کیتینگ حمله می‌کنند اما از نیروهای مستقر در این پاسگاه شکست می‌خورند. این نبرد به اندازه‌ای واجد اهمیت بوده که دونفر از نیروهای امریکایی مدال افتخار دریافت می‌کنند و از نیروهای این گروهان به دلیل رشادت و شجاعت‌شان تمجید بسیاری صورت می‌گیرد.

این فیلم، نسبت به سایر فیلم‌های مشابه تمرکز بیشتری بر عنصر اکشن دارد و در نتیجه درونمایه‌های ایدئولوژیک کمتری را یدک می‌کشد. به طور مثال ما به غیر از چند صحنه که روستانشینان افغان را به تصویر می‌کشد، دیگر به شکل متمرکز مردم افغان یا نیروهای طالبان را به عنوان سوژه دوربین نداریم. دوربین به شکل کامل نیروهای امریکایی را به عنوان سوژه خود قرار می‌دهد و سعی می‌کند بحران‌ها و چالش‌های آنها را طی دوران اقامت درون این پاسگاه روایت کند.

با این وجود، فیلم درست مانند فیلم‌های مشابه بر تصورات و پیش‌فرض‌هایی واقع شده است که بر اساس آنها، سرباز امریکایی حاضر در افغانستان، میهن دوست، خانواده دوست، فداکار، طرفدار صلح، مهربان و قدرتمند معرفی می‌شود و در طرف مقابل، افغان‌هایی قرار دارند که واجد صفات منفی بوده و نقطه مقابل سربازان امریکایی با صفات مثبت هستند. به عنوان مثال در همان سکانس‌های ابتدایی، یکی از سربازان ملی افغانستان که درون پاسگاه مستقر است، می‌خواهد یک سگ را به دلیل داشتن کک بکشد. در این هنگام نیروهای دل‌رحم امریکایی سر می‌رسند و او را از انجام این کار باز می‌دارند. سرنوشت این سگ نیز جالب توجه است. در سکانس دیگری، ما روستاییان افغانی را مشاهده می‌کنیم که مدعی هستند دخترشان به دلیل بمب فسفوری نیروهای امریکایی کشته شده است. با توضیح سربازان امریکایی ما متوجه می‌شویم دختر آنها به این دلیل کشته نشده و دلیل دیگری در کار بوده (شاید خود آنها او را کشته باشند!) و حالا از آنها باج می‌خواهند. در درگیری که شکل می‌گیرد سگ دست یکی از روستاییان را گاز می‌گیرد. مترجم افغانی امریکایی‌ها به آنها توضیح می‌دهد بر اساس عقاید آنها گاز گرفته شدن توسط سگ بی‌حرمتی بزرگی است و باید تاوانی پرداخت شود. (اشاره به نجس بودن سگ در دین اسلام) در نتیجه فرمانده امریکایی ناچار می‌شود هم به آنها باج بدهد و هم به عنوان تاوان سگ را بکشد، به این شکل حیوان دوستی امریکایی‌ها در کنار حیوان ستیزی مسلمانان قرار می‌گیرد. در معدود سکانس‌هایی که افغان‌ها سوژه دوربین هستند، چنین معرفی می‌شوند: عقب‌مانده، نادان، بی‌سواد، باج‌خواه، اهل خرافه و سنت و... در نقطه مقابل اما شاهد روابط دوستانه و فداکارانه نیروهای امریکایی در قبال خود و خانواده‌هایشان هستیم. فیلم در سکانس‌های متعددی بر رابطه عاشقانه سربازان با همسران و خانواده‌هایشان تمرکز دارد؛ تصویری که